

# متن کامل دعای کمیل به همراه ترجمه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ  
به نام خداوند بخشنده مهربان

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِیْ وَسِعَتْ كُلَّ شَیْءٍ  
خداوندا، از تو مسئلت دارم، به حق رحمت که همه چیز را فرا گرفته است  
و بِقُوَّتِكَ الَّتِیْ فَهَرَّتْ بِهَا كُلُّ شَیْءٍ و خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَیْءٍ  
و به نیرویت که با آن تمام موجودات را مقهور خویش ساختی  
و همه چیز در برابر آن سر تسلیم فرود آورده است و در مقابل آن هر چیزی ذلیل و خوار گشته

است

و بِجَبَرَوْتِكَ الَّتِیْ غَلَبَتْ بِهَا كُلُّ شَیْءٍ و بِعِزَّتِكَ الَّتِیْ لَا یَقُوْمُ لَهَا شَیْءٌ  
و به جبروتت که با آن بر همه چیز چیره گشتی و به عزتت که چیزی در برابرش تاب نیاورد  
و بِعِظَمَتِكَ الَّتِیْ مَلَأَتْ كُلَّ شَیْءٍ و بِسُلْطٰنِكَ الَّذِیْ عَلَا كُلَّ شَیْءٍ  
و به عظمت و بزرگی ات که همه چیز را پُر کرده است و به پادشاهی ات که بر همه چیز برتری

یافته

و بِوَجْهِكَ الْبَاقِیَ بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَیْءٍ و بِاَسْمَائِكَ الَّتِیْ مَلَأَتْ اُرْكَانَ كُلِّ شَیْءٍ  
و به وجه و سیمای تو که پس از نابودی همه چیز، باقی خواهد بود  
و به اسماء تو که ارکان هستی اند و همه چیز را پُر کرده است  
و بِعِلْمِكَ الَّذِیْ اَحَاطَ بِكُلِّ شَیْءٍ و بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِیْ اَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَیْءٍ  
و به علمت که بر همه چیز احاطه نموده و به نور و جهت که هر چیزی به وسیله آن، تابنده شده

است

یا نورُ یا قُدُّوسُ یا اَوَّلَ الْاَوَّلِیْنَ، و یا اَخِرَ الْاَخِرِیْنَ  
ای نور، و ای تو همه قداست و پاکی! ای ابتدای هر آغاز، و ای فرجام هر پایان

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ النِّقَمَ  
خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که پرده عصمت را پاره می کند؛

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که بلا و کیفرها را فرو می آورد  
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ  
خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که نعمت‌ها را دگرگون می سازد؛

خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که دعا را [از اجابت] باز می دارد  
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ الْبَلَاءَ؛ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا  
خداوندا، بر من ببخش گناہانی را که بلا نازل می کند؛ خداوندا، هر گناہی را که مرتکب شده‌ام،

بر من ببخش و هر خطایی را که از من سر زده است، ببخش  
اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ وَ أَسْتَشْفِعُ بِكَ إِلَيَّ نَفْسِكَ  
خدایا، من با یاد تو، به سویت تقرّب می جویم و تو را برای خودت شفیع می آورم و به حق  
ببخشدگی ات،

و أَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ؛ وَ أَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ وَ أَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ  
از تو می خواهم که مرا به خودت نزدیک گردانی؛ و شکرگذاری‌ات را روزی‌ام سازی و یادت را  
به من الهام فرمایی

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي  
خدایا، از تو درخواست می کنم، درخواست بنده‌ای فروتن، ذلیل و خاکسار که بر من آسان گیری  
وَ تَرْحَمَنِي وَ تَجْعَلَنِي بِقَسَمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا وَ فِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا  
و رحم نمایی و مرا به آنچه روزی‌ام نموده‌ای راضی و قانع سازی و در هر حالی فروتن گردانی  
اللَّهُمَّ وَ أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ

خداوندا، از تو درخواست می کنم، درخواست بنده‌ای که تنگدستی و نیازش شدید شده است  
وَ أَنْزِلْ بَكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ وَ عَظْمَ فَيْمًا عِنْدَكَ رَغْبَتَهُ  
و به هنگام سختی‌ها، حاجت خود را به آستان تو آورده و رغبتش به آنچه نزد توست، زیاد شده

است

اللَّهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانِكَ وَ عِلْمَ مَكَانِكَ وَ خَفِيَّ مَكْرِكَ، وَ ظَهَرَ أَمْرِكَ  
خداوندا، سلطنت و فرمانروایی‌ات بزرگ است و مقامت بسیار بلند است؛ و مکرّات پنهان است

وَأَمْرَتِ أَشْكَارَ

و غَلَبَ قَهْرُكَ وَ جَرَّتْ قُدْرَتُكَ وَ لَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ مِنْ حُكُومَتِكَ  
و قَهَّارِيَّتْ غَالِبْ اسْتِ وَ قُدْرَتَتْ نَافِذْ؛ وَ گَرِيْزِ از قَلَمْرُوى حُكُومَتِّ مَمَكِنِ نِيَسْتِ  
اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوْبِيْ غَافِرًا وَ لَا لِقَبَائِحِيْ سَاتِرًا وَ لَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِيْ الْقَبِيْحِ بِالْحَسَنِ مُبَدِّلًا غَيْرَكَ  
با رالها، جز تو کسی را نمی یابم که گناهانم را بیامرزد؛ و جز تو کسی را نمی یابم که زشتی هایم  
را بپوشاند؛

و جز تو کسی را نمی یابم که کار ناپسندم را به زیبایی تبدیل نماید  
لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَكَ وَ بِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِيْ  
جز تو معبودی نیست! پاک و منزهی، و این تسبیح همراه با حمد و ستایش توست؛ من به خود  
ستم روا داشتم

وَ تَجَرَّأْتُ بِجَهْلِيْ، وَ سَكَنْتُ اِلَيْ قَدِيْمٍ ذِكْرِكَ لِيْ وَ مِنْكَ عَلَيَّ  
و به خاطر نادانی، گستاخی کردم؛ اما خاطر آسوده ام که همیشه به یاد من بودی و بر من لطف و  
احسان می فرمودی

اَللّٰهُمَّ مَوْلَايَ، كَمْ مِنْ قَبِيْحٍ سَتَرْتَهُ؛ وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنَ الْبَلَاءِ اَقْلَتَهُ، وَ كَمْ مِنْ عَثَارٍ وَقَيْتَهُ  
ای خدا و ای مولای من، چه بسیار زشتی ها که بر من پوشاندی؛  
و چه بسیار بلاهای سنگین و بزرگی که از من دفع کردی، و چه بسیار لغزش ها که مرا از آن ها  
حفظ کردی

وَ كَمْ مِنْ مَكْرُوْهِ دَفَعْتَهُ، وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيْلٍ لَسْتُ اَهْلًا لَهُ نَشَرْتَهُ  
و چه بسیار امور ناخوشایندی که از من دور ساختی؛  
و چه بسیار تمجیدهای نیکی که سزاوار آن نبوده ام، ولی تو بر سر زبان ها انداختی!  
اَللّٰهُمَّ عَظُمَ بَلَائِيْ، وَ اَفْرَطَ بِيْ سَوْءُ حَالِيْ، وَ قَصُرَتْ بِيْ اَعْمَالِيْ  
خداوندا، بلا و گرفتاری ام شدید شده؛ و بدحالی ام از حد گذشته و کردارم [در رساندن من به  
هدف] نارسا گشته

وَ قَعَدْتُ بِيْ اَغْلَالِيْ، وَ حَبَسَنِيْ عَنِ نَفْعِيْ بَعْدَ اَمَلِيْ، وَ خَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَ نَفْسِيْ بِجِنَايَتِهَا  
و مطالی

و زنجیرها [ی تعلقات] مرا زمین گیر کرده؛ و آرزوی دور و دراز، مرا از رسیدن به منفعتم باز

داشته است؛

و دنیا با فریبندگی اش مرا فریفته است؛ و نفسم با جنایت و امروز و فردا کردنش، مرا فریب داده است

یا سَيِّدِي، فَاسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءَ عَمَلِي وَفِعَالِي  
پس ای آقای من، به عزتت قسم، از تو می خواهم که بدیِ کردارم، مانع [پذیرش] دعای من از  
درگاه تو نشود

و لَا تَقْضِ حَنِيَّ بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي  
و مرا با آنچه از اسرار نهانم می دانی رسوا مسازی  
و لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي  
و در کیفر آنچه در خلوت هایم انجام داده ام، شتاب نکنی  
مِنْ سُوءِ فِعَالِي وَ إِسَاءَتِي وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفَلَتِي  
از زشتی کردار و بدی رفتارم و مداومت در کوتاهی و جهالتم و بسیاری شهوت ها و غفلتم  
وَ كُنِ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَطُوفًا  
خدایا، به عزتت سوگند که در همه احوال با من رئوف و مهربان باش! و در همه امور بر من

باعطوف باش

إِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ؟! أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي، وَ النَّظَرَ فِي أَمْرِي  
ای خدا و پروردگار من، به جز تو چه کسی را دارم؟!  
که از او بخواهم گرفتاری ام را برطرف کند و در کار من نظر [لطف] بیندازد  
إِلَهِي وَ مَوْلَايَ! أَجْرِيَتِ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ فِيهِ هَوَى نَفْسِي  
ای خدا و ای مولای من! حکمی را بر من جاری ساختی که در آن از هوای نفسم پیروی کردم  
وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي فَغَرَّتْنِي بِمَا أَهْوَى  
و مواظب دشمنم (شیطان) نبودم که [اعمال زشتم را] زینت می داد، پس او هم مرا به  
خواهش های دلم فریب داد

وَ أَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ  
و تقدیر نیز او را در این امر یاری نمود و به سبب این مسائل، از بعضی از حد و مرزهای تو تجاوز

کردم

و خالفت بعضاً أواخرك

و با بعضی از دستورات تو مخالفت نمودم

فَلِكِ الْحِجَّةِ (الْحَمْدُ) عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ

پس در همه آن مسائل، تو علیه من حجت داری و در آنچه قضای تو بر آن تعلق گرفته، من

حجتی ندارم

وَ أَلْزَمَنِي حُكْمُكَ وَ بَلَاؤُكَ وَ قَدْ أَتَيْتَكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي وَ إِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي

و حکم و آزمایش تو مرا به آن مقید کرده است، اینک ای خدای من، بعد از کوتاهی ام،

و ستمی که بر جان خویش انجام دادم، به پیشگاه تو آمده‌ام

مُعْتَذِرًا نَادِمًا، مُنْكَسِرًا مُسْتَقِيلًا مُسْتَغْفِرًا مُنِيًّا

در حالی که عذرخواه و پشیمانم، و شکسته‌دل و طالب بخشش هستم، و استغفار کننده و

بازگشت کننده‌ام

مُفْرًا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا لِأَجْدٍ مَفْرًا مِمَّا كَانَ مِنِّي

و [به گناه خویش] اقرار و اذعان دارم و اعتراف می‌کنم و از آنچه از من سر زده، راه نجاتی

نمی‌یابم

وَ لَا مَفْزَعًا أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي وَ إِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ

و برای مشکلم پناهگاهی نمی‌یابم که به آن پناه برم، جز اینکه عذرم را بپذیری و مرا در رحمت

گسترده خود وارد کنی

اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي وَ أَرْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي وَ فُكَّنِي مِنْ شِدَّةِ وَتَاقِي

پس خداوندا، عذرم را بپذیر و بر بیچارگی بسیارم ترحم فرما و مرا از بندهای سختم برهان

يَا رَبِّ أَرْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي وَ رِقَّةَ جِلْدِي، وَ دِقَّةَ عَظْمِي

ای پروردگار من، بر ناتوانی جسمم رحم کن، و بر نازکی پوستم و نرمی استخوانم ترحم فرما

يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَ ذِكْرِي وَ تَرْبِيَّتِي وَ بَرِّي وَ تَغْذِيَّتِي

ای کسی که در ابتدا مرا آفریدی و به یاد من بودی، و [از همان زمان] عهده‌دار تربیت و نیکی و

تغذیه من بودی

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي

حال، به همان سابقه کرم و احسان گذشته، مرا ببخش

یا الهی و سیدی و ربی! اُتْرَاکَ مُعَذَّبِی بِنَارِکَ بَعْدَ تَوْحِیدِکَ؟!  
ای معبود و آقا و پروردگار من! آیا این گونه می بینی که مرا با وجود اقرار به یگانگی ات، به آشت  
عذاب می کنی؟!

و بَعْدَ مَا أَنْطَوٰی عَلَیْهِ قَلْبِی مِنْ مَعْرِفَتِکَ؟!  
و پس از آنکه دلم از شناخت تو روشنی یافته است مرا می سوزانی؟!  
و لَهَجَ بِهِ لِسَانِی مِنْ ذِکْرِکَ وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِیْرِی مِنْ حُبِّکَ  
و با وجود آنکه زبانم به ذکر تو گویا شده، و با اینکه نهاد من با محبت تو گره خورده...  
و بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِی وَ دُعَائِی خَاضِعًا لِرُبُوبِیَّتِکَ  
و بعد از آنکه صادقانه اعتراف کرده ام و تو را خوانده ام و در برابر ربوبیت خاضع بوده ام، مرا  
عذاب نمایی؟!

هِیَاهُتَ! أَنْتَ أَکْرَمٌ مِنْ أَنْ تُضِیْعَ مَنْ رَبَّیْتَهُ أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ  
هیاهات! بسیار بعید است! تو بزرگوارتر از آنی که کسی را که خودت پرورده ای، تباه کنی!  
یا کسی را که به خود نزدیک کرده ای، دور نمایی  
أَوْ تُشْرِدَ مَنْ أَوْیْتَهُ أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَ رَحِمْتَهُ  
یا آن را که خود پناهش دادی، از خود برانی یا کسی را که خود مورد حمایت و رحمت قرار  
داده ای، به امواج بلا و آگذاری

وَ لَیْتَ شِعْرِی یَا سَیِّدِی وَ إِلَهِی وَ مَوْلَایَ أَسْلَطْتُ النَّارَ عَلَیَّ وَ جُوهَ خَرَّتْ لِعِظَمَتِکَ سَاجِدَةً  
ای آقا و معبود و مولای من! ای کاش می دانستم که آیا بر صورت هایی که در برابر عظمتت بر  
خاک به سجده افتاده اند، آتش را مسلط می کنی؟!  
وَ عَلَیَّ السُّنَنِ نَطَقَتْ بِتَوْحِیدِکَ صَادِقَةً، وَ بِشُکْرِکَ مَادِحَةً وَ عَلَیَّ قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِالْهِیَّتِکَ مُحَقَّقَةً  
و بر زبان هایی که صادقانه به یگانگی ات گویا گشته اند و در شکرگزاری تو را ستوده اند؟!  
وَ بِرِآنِ دِلِّی هَیَّیْ کَهِ وَاقِعًا بِخُدَاوَنَدِیَاتِ اعْتِرَافِ نَمُودِهٖ آند؟!  
وَ عَلَیَّ ضَمَائِرَ حَوَّتْ مِنْ الْعِلْمِ بِکَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً  
و بر آن جان هایی که سرشار از معرفت تو شده اند، تا آنجا که در برابرت فروتن گشته اند؟!  
وَ عَلَیَّ جَوَارِحَ سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعَبُّدِکَ طَائِعَةً، وَ أَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِکَ مُدْعِنَةً  
و بر اعضا و جوارحی که مشتاقانه به سوی عبادت گاه های تو شتافته اند و با اعتراف از تو آمرزش

طلبیده‌اند؟! [آیا همه این‌ها را می‌سوزانی؟!]

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ

هرگز به تو چنین گمانی نداریم! و از فضل تو به ما چنین خبر نداده‌اند!

يَا كَرِيمُ يَا رَبَّ! وَأَنْتَ تَعَلَّمُ ضَعْفَى عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا

ای خدای سخاوتمند؛ ای پروردگار! درحالی که تو خود از ناتوانی من در برابر کمی از بلای دنیا

و کیف‌های آن، خبر داری!

و مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوهٌ قَلِيلٌ مَكْتَبَةٌ، يَسِيرٌ بَقَاؤُهُ، قَصِيرٌ

مُدَّتُهُ

و ضَعْفٌ مَرَا در برابر سختی‌هایی که در زندگی دنیا به مردم می‌رسد، می‌دانی! با آنکه بلاهای

دنیا درنگش کم، ماندگاری‌اش ناچیز و مدتش کوتاه است

فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ الْآخِرَةِ وَ جَلِيلِ وُقُوعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا؟! وَ هُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ، وَ يَدُومُ مُقَامُهُ

پس چگونه خواهد بود تحمل در برابر بلای آخرت و ناملايمات عظيم آن؟! در صورتی که آن

بلایی است که مدتش طولانی و درنگش دائمی است

وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ اِنْتِقَامِكَ وَ سَخَطِكَ

و این عذاب برای اهل آن هیچ تخفیفی نخواهد داشت؛ چراکه از غضب و انتقام و خشم تو

سرچشمه گرفته است

وَ هَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ

و این چیزی است که آسمان‌ها و زمین تاب تحمل آن را ندارند

يَا سَيِّدِي! فَكَيْفَ بِي؟! وَ أَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الدَّلِيلُ الْحَقِيرُ الْمُسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ

ای آقای من! پس من چگونه در برابر آن تاب آورم؟! در حالی که من بنده ناتوان و خوار و حقیر

و بی‌نوا و درمانده تو هستم!

يَا إِلَهِي وَ رَبِّي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ! لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو؟!!

ای خدا و پروردگار و آقا و مولای من! از کدامین گرفتاری‌ام به درگاه تو شکوه کنم؟!!

وَ لِمَا مِنْهَا أَضِجُّ وَ أَبْكِي؟! لِأَلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّةِ أَمِّ لِطُولِ الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ

برای کدام گرفتاری‌ام به درگاهت بنالم و گریه کنم؟! از دردناک بودن عذاب و سختی آن؟! یا از

طولانی بودن بلا و درازی مدت آن؟!!



فَلَيْنَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ أَعْدَائِكَ وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ  
پس اگر مرا در کیفرها با دشمنانت قرار دهی، و اگر مرا با اهل بلایت در یک جا گردآوری  
و فرقت بینی و بین احبائیک و اولیائیک

و اگر میان من و دوستان و اولیایت جدایی افکنی ...

فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ رَبِّي! صَبَرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ؟!  
پس ای خدا و آقا و مولا و پروردگار من! گیرم که بر عذابت صبر کنم! ولی چگونه بر فراق تو  
شکیبا باشم!؟

وَ هَبْنِي صَبَرْتُ عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَيَّ كَرَامَتِكَ؟!  
و گیرم که گرمای سوزان آتش را تحمل کنم! اما چگونه تاب آورم که چشم امید به بزرگی ات  
نیندازم؟

أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي عَفْوُكَ  
یا چگونه در آتش جهنم ساکن شوم و حال آنکه امید من به بخشش توست!؟  
فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ! أَقْسِمُ صَادِقًا لَّئِن تَرَكَتَنِي نَاطِقًا  
پس ای آقا و مولا من! سوگند راست می خورم که اگر زبانم را باز بگذاری  
لَأُضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ الْأَمَلِينَ وَ لَأُصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ  
واقعاً در میان اهل جهنم مانند آرزومندان، به پیشگاه تو ناله سر می دهم و همچون فریادخواهان  
به درگاه تو فریاد برآورم

وَ لَأُبْكِينَ عَلَيْكَ بَكَاءَ الْفَاقِدِينَ وَ لَأُنَادِيَنَّكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ  
و مانند آنان که عزیزی از دست داده اند، از فراق تو بگریم و تو را صدا می زنم که «کجایی ای  
پشت و پناه مؤمنان!؟»

يَا غَايَةَ آمَالِ الْعَارِفِينَ! يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ! يَا حَبِيبَ قُلُوبِ الصَّادِقِينَ وَ يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ  
ای نهایت آرزوی عارفان! ای فریادرس فریادخواهان! ای محبوب دل های صادقان! و ای معبود  
جهانیان!

أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَ بِحَمْدِكَ تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ  
ای معبود من که تو را می ستایم؛ پس با تمام این ها، آیا این گونه می بینی که  
صدای بنده مسلمانی را بشنوی که به خاطر نافرمانی اش در دوزخ زندانی شده است!؟

و ذاقَ طَعْمَ عَذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ وَ حُبْسَ بَيْنِ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَ جَرِيرَتِهِ  
و به کیفرِ گناهش، طعم عذاب جهنم را می چشد و به خاطرِ جرم و گناهش، در میان طبقات دوزخ  
حبس شده است

و هُوَ يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ وَ يُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ تَوْحِيدِكَ وَ يَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ  
و او همچون امیدواران به رحمت، به درگاهت ناله می زند و با زبان اهل توحیدت تو را می خواند  
و به پیشگاه تو، به ربوبیت خودت متوسل شده و چنگ می زند

يَا مَوْلَايَ! فَكَيْفَ يَبْقَى فِي الْعَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ؟  
ای سرور من! پس چگونه در عذاب ماندگار می شود، در حالی که به سابقه بردباری تو امید  
دارد؟!

أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ وَ هُوَ يَأْمُلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ؟  
یا چگونه آتش او را آزار دهد، در حالی که فضل و رحمت تو را آرزو دارد؟!

أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبِهَا وَ أَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ؟  
یا چگونه زبانه های آتش، او را بسوزاند، در حالی که تو صدای [ناله] او را می شنوی و جایگاه  
او را می بینی؟!

أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟  
یا چگونه دم سوزان آتش، او را فرا گیرد، و حال آنکه تو از ناتوانی اش خبر داری؟!

أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَ أَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟  
یا چگونه بین طبقات دوزخ به این سو و آن سو رود، در حالی که تو از صدق ادعای او آگاهی؟!

أَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتُهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ؟  
یا چگونه دوزخ بانان او را براند، و حال آنکه ندای «یا رب» او بلند است؟!

أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عَتَقِهِ مِنْهَا فَتَتْرَكُهُ فِيهَا  
یا چگونه ممکن است برای رهایی اش از دوزخ به فضل تو امید داشته باشد و تو او را در آنجا به  
حال خود واگذاری؟!

هِيَاهُتَ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ وَ لَا الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ  
هیهات که چنین نیست و به تو چنین گمانی نمی رود! و این چیزی نیست که از فضل تو شناخته  
شده باشد

و لا مُشَبِّهٍ لِمَا عَامَلْتَهُ مِنَ الْمُؤَخِّدِينَ مِنَ بَرِّكَ وَ إِحْسَانِكَ  
 و این با رفتاری که از نیکی و احسانت با مؤخِّدین داشته‌ای، شباهتی ندارد  
 فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ، لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ جَاحِدِكَ  
 بنابراین من یقین دارم اگر به عذاب منکران حکم نکرده بودی  
 وَ قَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا  
 و قضای حتمی تو بر جاودانگی عذاب معاندان تعلق نگرفته بود همه آتش دوزخ را سرد و  
 سلامت می‌گردانیدی

و ما كان لِأَحَدٍ فِيهَا مَقَرًّا وَ لا مُقَامًا لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ  
 و برای هیچ کس در جهنم منزل و جایگاهی وجود نداشت اما تو ای خدایی که نام‌هایت مقدس  
 است

أَقْسَمْتُ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ، مِنَ الْجَنَّةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ  
 سوگند یاد کرده‌ای که دوزخ را از همه کافران جن و انس پُر کنی  
 وَ أَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ وَ أَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا  
 و معاندان و ستیزه‌جویان را در آن تا ابد ماندگار سازی و هم تو که ثنایت پُرشکوه باد، پیشاپیش  
 فرمودی

وَ تَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا: أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا؟! لَا يَسْتَوُونَ!  
 و به این انعام از روی بزرگواری تفضل نمودی [که فرمودی]:  
 آیا آن کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟! [هرگز چنین نیست] یکسان  
 نیستند!

إِلَهِي وَ سَيِّدِي! فَاسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا وَ بِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا  
 ای معبود و آقای من! پس از تو درخواست می‌کنم به حق آن قدرتی که مقدر کردی و به حق آن  
 قضایی که آن را حتمی و قطعی نمودی  
 وَ غَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أُجْرِيَّتُهَا أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ  
 و بر آن کس که قضایت را در حق او جاری کردی، غلبه پیدا کردی [می‌خواهم] که در این شب  
 و در این ساعت، بر من بیخشی

كُلِّ جُرْمٍ أَجْرَمْتَهُ وَ كُلِّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتَهُ وَ كُلِّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتَهُ

هر جرمی را که انجام داده‌ام و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام و هر زشتی‌ای را که پنهان داشته‌ام و کُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ

و هر نادانی‌ای را که به کار گرفته‌ام، چه آن را پنهان داشتم یا اینکه آشکار نمودم، چه مخفی

داشتم و چه عیان ساختم

و كُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ الَّذِينَ وَكَّلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي

و [بر من ببخش] هر کار ناپسندی را که به فرشتگان ارجمندت امر نمودی تا آن را ثبت کنند

کسانی که آنها را گماشتی تا هر چه را از من سر می‌زند، ثبت نمایند

و جَعَلْتَهُمْ شُهَدَاءَ عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي وَ كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ

و آنها را به همراه اعضای بدنم، علیه من گواه قرار دادی و از پس آنان نیز تو خود ناظر [احوال]

من بودی

و الشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ وَ بِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ وَ بِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ

چیزهایی را شاهد بودی که از ایشان نیز پنهان مانده بود! اما تو به رحمت خویش آنها را مخفی

نگه داشتی و به فضل خود پوشاندی

و أَنْ تَوْفَّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ

و [از تو می‌خواهم] از هر خیری که فرو فرستاده‌ای، نصیب مرا فراوان گردانی یا از هر احسانی

که [بر بندگان] تفضّل نموده‌ای

أَوْ بِرِّ نَشْرْتَهُ أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ

یا از هر نیکی‌ای که پراکنده ساخته‌ای یا از هر روزی‌ای که گسترده‌ای

أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ أَوْ خَطَاٍ تَسْتُرُهُ

یا از هر گناهی که می‌آمرزی یا هر خطایی که می‌پوشانی

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ! يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رِقِّي

ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! ای معبود و آقای من، و ای سرور و

صاحب‌اختیار من!

يَا مَنْ بَيَّدَهُ نَاصِيَّتِي يَا عَلِيمًا بَصُرِّي وَ مَسْكِنَتِي يَا خَبِيرًا بِفَقْرِي وَ فَاقَتِي

ای آنکه زمام امور من به‌دست اوست؛ ای دانا به بیچارگی و بی‌نوایی من؛ ای آگاه از فقر و

تهی‌دستی من

یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ وَ أَعْظَمِ صِفَاتِكَ وَ أَسْمَائِكَ  
 ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! به حق خودت، و به ذات مقدست و به  
 حق عظیم ترین صفات و اسامی ات درخواست می کنم  
 أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً وَ بِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً  
 که اوقات شب و روز مرا با یاد خودت آباد گردانی و پیوسته در خدمتگذاری خودت قرار دهی  
 وَ أَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَ أَوْرَادِي كُلُّهَا وَرِدًا وَاحِدًا  
 و اعمالم را مقبول درگاہت بگردانی تا اعمال و اوراد من همه، یکجا و یک جهت [برای تو]  
 باشد

وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا  
 و حالم تا ابد پیوسته در خدمت تو باشد  
 يَا سَيِّدِي! يَا مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي  
 ای آقای من! ای آن که تکیه من بر اوست؛ ای آن که شکایت حالم را فقط به سوی او می برم  
 يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ! قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي  
 ای پروردگار من، ای پروردگار من، ای پروردگار من! اعضای تنم را در خدمت به خودت  
 نیرومند کن

وَ أَشَدُّدُ عَلَيَّ الْعَزِيمَةِ جَوَانِحِي وَ هَبْ لِي الْجِدَّةَ فِي خَشْيَتِكَ  
 و دلم را بر عزم و همت استوار ساز، و جدیت در ترس از خودت را به من عنایت فرما  
 وَ الدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ حَتَّى أُسْرِحَ إِلَيْكَ فِي مِيَادِينِ السَّابِقِينَ  
 و همیشه مرا در خدمت خودت قرار بده تا در عرصه پیشتازان به سویت روان باشم  
 وَ أُسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ وَ أَشْتاقَ إِلَيَّ قُرْبِكَ فِي الْمُشْتاقِينَ  
 و در زمره پیشگامان به سمت تو بشتابم و در جمله مشتاقان به قرب تو اشتیاق بورزم  
 وَ أَدْنُو مِنِكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ وَ أَخافُكَ مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ وَ أَجْتَمِعُ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ  
 و مانند مخلصین و رهایی یافتگان به تو نزدیک شوم و مثل اهل یقین از تو بترسم و با مؤمنان در  
 جوار تو گرد آیم

اللَّهُمَّ وَ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدْهُ وَ مَنْ كَادَنِي فَكِدْهُ  
 خداوندا، هر کس شر مرا بخواهد، بدش را بخواه و هر کس با من حيله ورزد، با او حيله بورز

و اجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ عِبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ وَ أَقْرَبِهِمْ مَنزِلَةً مِنْكَ  
 و مرا از بهره‌مندترین بندگان در نزد خودت قرار بده و از مقرب‌ترین آن‌ها در پیشگاهت قرار بده  
 وَ أَخْصِهِمْ زُلْفَةً لَدَيْكَ فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ  
 و از مخصوص‌ترین خاصان درگاهت قرار بده زیرا جز با فضل تو به این [جایگاه] نمی‌توان  
 دست یافت

وَ جُدْ لِي بِجُودِكَ وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجْدِكَ  
 و با جود و بخشش به من ببخش و با مجد و بزرگی‌ات به من توجه کن  
 وَ احْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا وَ قَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَمِيمًا  
 و به رحمت خویش مرا حفظ فرما و ذکر خود را ورد زبانم ساز و قلبم را با محبتت و اله و شیدا  
 گردان

وَ مِنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ وَ أَقْلِنِي عَثْرَتِي وَ اغْفِرْ زَلَّتِي  
 و با اجابت نیکویت، بر من منت بگذار و لغزشم را نادیده گیر و خطایم را ببخش  
 فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ بِعِبَادَتِكَ وَ أَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَ ضَمِنْتَ لَهُمْ الْإِجَابَةَ  
 چرا که تو خود بر بندگان، به پرستش خویش حکم نمودی و فرمان دادی تا تو را بخوانند و خود  
 نیز اجابت دعای آنان را ضمانت کردی

فَالْيَكِ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي وَ إِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي  
 پس اینک ای پروردگار من، تنها روی به سوی تو آوردم و دستم را فقط به جانب تو دراز کردم  
 فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَ بَلِّغْنِي مُنَايَ وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي  
 پس به عزتت سوگند، که دعای مرا اجابت کن و مرا به آرزویم برسان و امیدم را از فضل خویش  
 ناامید نکن

وَ اكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي  
 و مرا از گزند دشمنان جن و انس، محافظت فرما  
 يَا سَرِيعَ الرِّضَا! اغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ  
 ای خدایی که زود خشنود و راضی می‌شوی! ببخش بنده‌ای را که جز دعا چیزی ندارد که قطعاً  
 تو هرچه را بخواهی انجام می‌دهی  
 يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ غِنَى

ای آن که نامش دواست و ای آن که یادش شفاست و ای کسی که فرمانبرداری از او، بی‌نیازی

است

إِرْحَمَ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلَاحُهُ الْبُكَاءُ

رحم کن بر کسی که سرمایه‌اش امید به توست و سلاح او گریه و زاری است

يَا سَابِغَ النَّعْمِ يَا دَافِعَ النَّقَمِ يَا نَوْرَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ

ای گستراننده نعمت‌های بسیار! ای دور کننده بلاها! ای روشنی‌تنهایی و حشت‌زدگان در

تاریکی‌ها! ای دانای ناآموخته!

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ

بر محمد و آل محمد درود فرست و با من چنان رفتار کن که لایق حضرت توست

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَ الْأَئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا

و درود خدا بر فرستاده‌اش و بر امامان خجسته از خاندانش و سلام فراوان بر ایشان باد.